Archive of SID

کنفرانس پژوهش های معماری و شهرسازی اسلامی و تاریخی ایران
Research Conference Architecture and Urbanism Islamic history of Iran

مفاهیم نقش مایه‌های جانوری در کاشی‌های کاخ هشت‌بهشت اصفهان با رویکرد اسطوره شناسی

صمد نجارپور جباری[1]، نگین جاوری[2]*

1- استادیار، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، samad_ng@yahoo.com

2- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، n.javeri@yahoo.com

چکیده

هنر ایران همواره بر آثار، تجارب و نقش مایه‌های هنرهای پیشین خود استوار بوده، به طوری که با مطالعه این هنر غنی می‌توان رد پای آثار هنرمندان گذشته را در آن یافت. حتی ریشه برخی از این نقش مایه‌ها به دوران پیش از اسلام نیز می‌رسد. در دوره صفوی توجه و استفاده از نقش مایه‌هایی که ریشه در اساطیر پیش از اسلام داشته، به مراتب بیشتر می‌شود. این نقوش را می‌توان در هنرهای مختلف دوره‌ی صفوی مشاهده کرد. در تزئینات وابسته به معماری و به خصوص در کاشی کاری‌های کاخ هشت‌بهشت اصفهان بسیاری از این نقش مایه‌های اساطیری ظهور پیدا کرده است. حال سوال اصلی این است که مفاهیم این نقش مایه‌ها چیست و چه ارتباطی بین نقش مایه‌های موجود در کاشی کاری‌های کاخ هشت‌بهشت و اساطیر پیش از اسلام وجود دارد؟ هدف اصلی این پژوهش دستیابی به مفاهیم این نقش مایه‌ها در دوره‌ی اسلامی و بخصوص دوران صفوی است. در این راستا روشی که برای این پژوهش اتخاذ گردید، روش توصیفی –تحلیلی با رویکرد اسطوره شناسی است. یافته‌های پژوهش به شیوه‌ی میدانی و عکس برداری از نقش مایه‌های اسطوره‌ای کاخ هشت‌بهشت و جمع‌آوری اسناد کتابخانه‌ای بوده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که نقوش این بنا برگرفته از اسطوره‌ها، عقاید، داستان‌های تمثیلی و تخیلی بوده و نقوش کاشی‌های بیرونی، حیوانات اسطوره‌ای شامل سیمرغ، اژدها، طاووس و شیر و خورشید را در برمی‌گیرند. نقش مایه‌های مذکور در ایران پیش از اسلام دارای بار معنایی خاص بوده و در دوره‌ی اسلامی با مفاهیم اسلامی هم‌خوانی پیدا کرده و در دوره‌ی صفوی بیانگر قدرت و شکوه امپراطوری صفوی بوده است.

واژه‌های کلیدی: کاخ هشت‌بهشت، کاشی‌کاری، نقوش حیوانی، نماد، اسطوره.

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

شهر اصفهان از جمله شهرهای مهم و مورد توجه پادشاهان صفویه و پایتخت دورانی درخشان از این سلسله بود که آثار معماری فاخر و قابل توجهی از اماکن و بناهای سلطنتی، تفریحی، مذهبی گرفته تا بناهای مسکونی از این دوره باقی مانده است. خیابان چهارباغ از معابری بوده است که بسیاری از کاخ‌های این دوره را در اطراف خود جای داده بود که متاسفانه به گفته محققان درحال حاضر از برخی از این بناها اثری باقی نمانده است. در مورد این ابنیه هنرفر [1] می‌گوید: «قصرها و کاخ‌هایی که در دوران صفویه در اصفهان ساخته شد و نمونه‌هایی از آنها موجود است بر دو گونه است: کاخ‌های پذیرایی و قصرهای نشیمن. از کاخ‌های پذیرایی که کم و بیش آثاری از آنها در اصفهان برجای مانده و امروز جلب توجه می‌کند کاخ عالی‌قاپو و چهلستون را باید نام برد و از قصرهای نشیمن که با کمال تاسف در اواخر دوران قاجاریه بسیاری از آنها راه زوال و نیستی سپرده است بجز عمارت مشهور به تالار اشرف و کاخ هشت بهشت اثری برجای نمانده ولی خوشبختانه این دو عمارت برجای مانده از نظر معماری و تزئینات آنقدر جالب توجه است که می‌تواند مصداق مشت نمونه خروار قرار گیرد و انظار تماشاچیان را به کیفیت ساختمان‌های مشابه آنها که امروز وجود ندارد متوجه کند». وجه تسمیه هشت‌بهشت را می‌توان با چند شاخصه مرتبط دانست از جمله: طبقه هشتم‌بهشت، هشت ضلعی بودن بنا، ورودی اتاق‌ها و هشتی‌ها، حوض تالار مرکزی و همچنین به سبب تزیینات نفیس و معماری متفاوت، از آن به عنوان ورودی بهشت و طبقه‌ای از بهشت بر روی زمین می‌توان نام برد [2]. عمارت مذکور دارای تزیینات متنوع و زیبایی از جمله کاشی‌کاری به شیوه‌ی کاشی هفت رنگ در درون و بیرون بنا است. برخی از این نقوش بر زمینه‌ای از رنگ زرد که از اواسط دوره‌ی صفوی رایج شد و تا آن زمان به‌کار نمی‌رفت، تصویر شده است. این نقوش با مضامین متنوع، نشانگر ذوق و سلیقه هنرمندان آن دوره و همچنین آشنایی آنها با اساطیر و داستان‌های عامیانه تا آن روز بوده است. تزیینات تصویری داخل بنا بیشتر نمایانگر نقوش هندسی، گیاهی و عناصر نمادین حیات و زندگی در طبیعت همچون درخت، گل، سبزه‌زار، پروانه، کبوتر، بلبل هستند و نقوش بیرونی بنا بیشتر شامل نقوش حیوانی به صورت گرفت‌وگیر پرندگان، گرفت‌وگیر حیوانات درنده‌ای چون شیر و پلنگ و همچنین گرفت و گیر موجودات اسطوره‌ای می‌باشند. از جمله حیوانات اسطوره‌ای موجود در کاشی‌ها سیمرغ، طاووس، شاهین، اژدها و همچنین نقش شیر و خورشید هستند. سوالات مورد بحث این است که مفاهیم این نقوش چیست و چه ارتباطی با اساطیر قبل از اسلام دارند؟ در این پژوهش تلاش می‌شود تا با بررسی مفاهیم این نقوش اسطوره‌ای در کتب و اسناد تاریخی قبل و بعد اسلام به معانی آنها در دوران اسلامی به ویژه دوره‌ی صفویه برسیم.

شاردن [3] سیاح فرانسوی در سفرنامه‌ی خود توصیفاتی از باغی به نام بلبل و کاخی بسیار فرحبخش و دل‌انگیز کرده است اما صحبتی از نام کاخ نمی‌کند ولی با دقت در توصیفات کمپفر [4] در کتاب سفرنامه‌اش این نکته برای مخاطب روشن می‌شود که احتمالا باغی که شاردن از آن سخن می گوید، همان کاخ هشت‌بهشت است که تماشاگر را مسخ زیبایی خود می‌کند، چنان‌که گویی به بهشتی زمینی وارد شده است. کست [5] نقاش فرانسوی که در دوران سلطنت محمد شاه قاجار از هشت‌بهشت دیدن کرد تصاویری بی‌نظیر از قسمت‌های مختلف کاخ مصور کرد و اطلاعاتی از کاخ در زمان قاجاریه در کتاب آلبوم مصور خود نگاشت.

روش تحقیق

از آنجا که موضوع مورد بررسی در این پژوهش تحلیل مفاهیم حیوانات اسطوره‌ای به کار رفته در کاخ هشت بهشت است روش توصیفی –تحلیلی با رویکرد اسطوره شناسی برای رسیدن به هدف پژوهش مناسب به نظر رسید.

www.SID.ir

Archive of SID

تاریخچه بنا

از تاریخ شروع ساخت این کاخ سندی در دست نیست اما همایون در تاریخ مصور اروپاییان اینگونه می‌نویسد: «با توجه به اظهار نظر ژوزف گرلو[1] که در سال 1665 یا 1666 میلادی (1076-1077 هجری) از هشت‌بهشت دیدن کرده و طرحی تهیه نموده است می‌توان این نظر را قابل قبول دانست که ساختمان کاخ هشت‌بهشت اصفهان در اواخر سلطنت شاه عباس دوم شروع شده و در زمان سلطنت شاه سلیمان به اتمام رسیده است [6]».

در باب فضا و تزیینات داخلی، حال و هوای عمارت و باغ اطراف کاخ توصیفات و اشعار زیادی وجود دارد که در این پژوهش نمی‌گنجد و تنها به ذکر چند جمله از سفرنامه شاردن اکتفا می‌کنیم: «نمی‌توانم از بیان این نکته خودداری کنم که به هنگام گردش در این محل که مخصوص لذت و حظ و عشق ساخته شده است و در حال عبور از اتاق‌ها و شاه‌نشین‌ها آدم چنان تحت تاثیر قرار می‌گیرد که گاه از خود بی خود می‌گردد. بی‌شک هوای این تالار اثر مهمی در این حالت عاشقانه که به انسان دست می‌دهد دارد. اگرچه این بنا چندان بادوام و استوار نیست ولی فرح‌انگیزتر از مجلل‌ترین کاخ‌های ممالک اروپایی است. شاه سلیمان این تالار را ساخته و فقط هزینه‌ی بنای آن به جز اثاثه و لوازم دیگر بالغ بر پنجاه هزار اکو[2] شده است [3]».

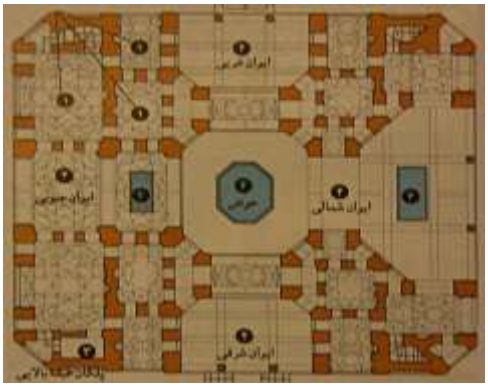

شکل 1-پلان کاخ هشت‌بهشت [5]

اگرچه شاردن ساخت این بنا را متعلق به شاه سلیمان دانسته اما شروع این کاخ مربوط به دورانی پیش از این سلطان بوده و در زمان او به بهره‌برداری رسیده است. این بنا به گفته‌ی کارشناسان میراث فرهنگی شهر اصفهان محل سکونت تابستانی هشت نفر از محبوبه‌های شاه بوده است. همان طور که در شکل 1 مشاهده می‌شود پلان این کاخ به صورت هشت ضلعی منتظم بوده است و از گفته‌های پاسکال کست [5] این گونه دریافت می‌شود که این بنا بر روی صفه‌ای به ارتفاع 2 متر از سطح باغ ساخته شده است و بوسیله دو پلکان ده پله‌ای که متصل به نماهای شرقی و غربی قصر هستند داخل آن می‌شوند که البته اکنون به جهت تعمیرات و بازسازی‌های مکرر فرم پله‌ها تغییر کرده و بنا دارای یک ورودی، تنها در جهت ضلع شرقی می‌باشد.

به گفته‌ی سفرنامه نویسان کاخ در میان باغی موسوم به باغ بلبل قرار داشت و نام‌هایی چون هشت‌بهشت، عمارت بهشت و هشت در بهشت برای بنای کاخ ذکر کردند چنان که کمپفر می‌گوید: «باغ بلبل از طرف شاه صفی، شاه عباس دوم و شاه سلیمان فعلی چنان به فور با خیابان‌های مشجر، کاخ‌ها، باغچه‌ها و فواره‌ها مجهز شده است که ظاهراً از نظر زیبایی در سراسر ایران هیچ جای دیگر به پای آن نمی‌رسد و این امر بخصوص پس از تجدید ساختمانی که از نظر هنری در کاخ شد، صادق است. جلال و جبروت و زیبایی بی نظیری که این باغ دارد، باعث شده که به آن نام هشت بهشت بدهند و به همین علت تمام باغ نیز به همین نام شهرت یافته است [4]». شاردن نیز می‌گوید: «این تالار را عمارت بهشت می‌نامند. زیرا عمارت به معنی خانه تفریح و خوشی است و بهشت طبقه‌ی دهم آسمان را گویند، از این جهت می‌توان آن را تالار فردوس نامید [3]».

[1] Joseph Grélot

[2] اکو (Ecu) پول نقره در فرانسه که معمولا معادل سه لیور (Liure) و گاهی هم معادل شش لیور بوده است.

www.SID.ir

Archive of SID

نقوش

در برخورد با کاشی‌های به کار رفته در کاخ هشت‌بهشت اصفهان از نظر محل قرارگیری، به دو دسته کلی برمی‌خوریم: تزیینات کاشی دیوارهای درونی و دیوارهای بیرونی. تحقیق حاضر به بررسی نقوش کاشی‌های بیرونی بنای کاخ می‌پردازد. این نقش‌ها دارای تنوع و گستردگی زیادی هستند که نقوش انسان، حیوان، پرنده و گیاه را دربرمی‌گیرند. نقوش گرفت‌وگیر حیوانات، در ضلع شرقی و ورودی کنونی بنا جلب توجه می‌کند و نقش پرندگان بیشتر در ضلع جنوبی بنا همراه با نقش گلدان و اسلیمی آورده شده است. «نقش پرنده یکی از عوامل اصلی در تزیین بنای هشت بهشت است که در صورت‌های متفاوت چون حالات نمادین، خیالی و غیره به تصویر درآمده است [7]» وجود رودخانه‌ای پر آب چون، زاینده‌رود همواره موجب آبادانی و برکت شهر اصفهان در تمام ادوار بوده است. از حیث وجود این رودخانه، اصفهان محل خوبی برای مهاجرت پرندگانی چون لک‌لک، درنا، پلیکان و انواع مرغان دریایی بوده است. پرندگانی که نقش آنها درکاشی‌های این باغ منعکس شده و حتی کمپفر [4] در سفرنامه‌اش از وجود آنها در استخرهای موجود در باغ اطراف عمارت، سخن به میان می‌آورد. کاشی‌های بیرونی بنا، شامل موضوعاتی است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

موضوعات نقوش

موضوعات به کار رفته در کاشی‌ها عبارتند از:

1. **شکارگاه**: در این گونه طرح‌ها، صحنه‌ی شکار با نقش گل ،گیاه ، درخت، حیوانات و پرندگان در حال فرار و شکارچیان سواره و پیاده‌ای که سعی در شکار آنها دارند ترسیم شده است [8]. شکار برای پادشاه به گونه‌ای رقم می‌خورد که حیوانات مختلف را در محل مورد نظر او می‌پراکنده‌اند و در نهایت با آرامش خاطر امر شکار انجام می‌گرفت.

2. **گرفت‌وگیر**: این موضوع برگرفته از نقوش ایران باستان است. چنان‌که می‌دانیم، چنین طرح‌هایی در تخت جمشید نیز به کار رفته و گویی از خلق و خوی اجتماعی حاکم حکایت داشته و یا نشان مرگ و زندگی بوده است. [7] در این بنا گرفت و گیر برچند وجه است: گرفت و گیر پرندگان، گرفت و گیر حیوانات و گرفت‌وگیر حیوانات اسطوره‌ای.

3. **موضوعات داستانی**: بیان داستان هدف اصلی این موضوعات است [8]. این موضوعات برگرفته از داستان‌های آیینی ومذهبی و همچنین داستان‌های عامیانه چون کلیله‌ودمنه است.

4. **موضوعات تمثیلی**: این موضوعات برای بیننده، مثالی می‌زنند تا او را به حقیقتی آگاه سازند [8]. «مردم اکد و سومر در سه هزار سال قبل از میلاد نقوشی به شکل هیکل‌های بالدار که سر آنها به شکل شیر یا گاو بوده است بر سنگ می‌تراشیده‌اند. این نقوش در قسمت آخر تورات "کروبی" نامیده شده‌اند. برای جلوگیری از ورود اجنه و اشباح در مدخل خانه‌ها و کاخ نصب می‌گردیده‌اند. این لفظ در قرآن نام ملائکه و فرشتگانی است که برای حفاظت و نگهبانی عرش عظیم خداوند گماشته شده‌اند». نمونه‌ی این نقش در ضلع جنوبی بنا نشان داده شده که نمایانگر فرشته‌ای با پرنده‌ای در دست است. برخی گویند او فرشته‌ی وحی، جبرییل است که در حال اعطای مقام فر ایزدی است [7]. همچنین تصاویری چون شیر و خورشید که نمایانگر قدرت و شکوه سلاطین ایرانی است و ریشه‌هایی در علم نجوم نیز دارد.

در میان برخی از نقوش به حیواناتی بر می‌خوریم که در اسطوره‌ها، فرهنگ و اعتقادات ایرانیان جایگاهی ویژه داشته‌اند از آن جمله می‌توان به نقش سیمرغ، اژدها، طاووس، شیر و خورشید اشاره کرد.

www.SID.ir

Archive of SID

سیمرغ

[8]

این نقش در فرهنگ و ادب عرفانی، اسلامی ایران نقش بسیار مهمی را ایفا کرده و معانی و مفاهیم والایی، حول نقش این حیوان اساطیری چرخ زده است. تصویر سیمرغ در آثار هنری دوران باستان نیز مشهود است و در طی این مسیر طولانی، این نقش دستخوش تغییر و تحولات ظاهری و مفهومی بوده است.

سیمرغ در اساطیر ایران قبل از دوران اسلامی

«این پرنده را در هند گارودا و در متون ریگ‌ودا سئنا و در افسانه‌های ایرانی ساینا می‌نامند [9]». سئنا در اوستا علاوه بر این‌که با نام حکیمی دانا که توسط فروهر در فروردین یشت مورد ستایش قرار گرفته ارتباط لفظی دارد؛ به پرنده‌ای شکاری که مستشرقین آن را شاهین و عقاب ترجمه کرده‌اند نیز اطلاق می‌شود [10]. دینکرد نیز گزارشی کامل از ویژگی‌های پَرِ وارغن (سیمرغ) میدهد و خاطر نشان می‌سازد که با مالیدن آن بر آغوش شاه، فرّ کیانی به او باز می‌گردد. میرچاالیاده مطرح می‌کند که توانایی پرواز و بال داشتن، بیان رمزی برتر بودن از مقتضیات بشری و دست یافتن به واقعیت غایی است و در میان پرندگان سیمرغ از سیمای قدسی- اساطیری درخشان‌تری برخوردار است. در روایات مَزدیَسنی، سیمرغ پرنده پستاندار کوه‌زی، بر فراز درخت بسیار تخمه، میان دریای فراخکرد آشیان دارد، و با پرواز خود سبب فرو ریختن تخم درخت در آب دریای فراخکرد می‌شود و از این‌رو باران بر زمین می‌بارد و او معتقد است که خصوصیات (سی‌ان‌هو) چینی، در بسیاری موارد با سیمرغ ایرانی مشابهت فراوان دارد [11]. باتوجه به توصیفات فوق «سیمرغ در ادبیات حماسی قبل از اسلام نماد خرد و مدوا بوده است [12]».

سیمرغ در دوران اسلامی

روایتها از سیمرغ در دوران اسلامی بسیار متنوع است و مخصوصاً در بین عارفان و سالکان صوفیه نقشی پر اهمیت بر خود می‌گیرد. آنچه که علاوه بر تغییر معنایی ومفهومی حائز اهمیت است، سیمرغ دیگر، همانند ایران باستان یک حیوان ترکیبی نمی‌باشد، بلکه یک پرنده بزرگ و افسانه‌ای است و خبر از ترکیب چند حیوان، و حالت ترس‌آوری، ندارد. سیمرغ در شاهنامه و اوستا و روایات پهلوی، موجودی خارق‌العاده و شگفت است. از هر طرف چهار بال دارد با رنگهای نیکو. منقارش چون منقار عقاب، کلفت و صورتش چون صورت آدمیان است. عمر این پرنده‌ی اسطوره‌ای هزار و هفتصد سال است و نگهبان و توتم قوم سکایی بوده است [10]. توجه به این نکته ضروری است که توتم در اقوام خانوادگی ابتدایی، به طور معمول نام خانوادگی به شمار می‌رفته است. نظیر این عقیده همانطور که ذکر شد در شاهنامه، داستان سیمرغ است که مربی زال، پدر رستم دستان است. نکته جالب در این داستان سپردن پر حیوان به زال است. در جامعه توتمی، اشیاء و اموری که متعلق به حیوان یا گیاه مقدس هستند، دارای خاصیت جادو است و همراه داشتن آن موجب از میان رفتن بیماری و مصائب از انسان می‌شود و به عنوان علامت خانوادگی نیز به شمار می‌رود و به موجب آن، هر فرد می‌تواند با داشتن متعلقات توتم خانوادگی، در موارد گوناگون از حمایت خانواده برخوردار شود و برای پیروزی بر دشمن نیز از آن سود جوید و به همین جهت سیمرغ پر خود را به زال می‌سپارد [13].

در کتبی که قدما راجع به حیوانات و طیور نوشته‌اند روایت‌هایی در مورد سیمرغ وجود دارد از آن جمله عطار نیشابوری که در اثر جاویدان خود، منطق الطیر چنین می‌نویسد: «عُنقا که آن را به پارسی سیمرغ گویند، او را در جهان نام هست اما نشان نیست و هر چیزی را که وجود او نادر بود، به عنقای مغرب تشبیه کرده‌اند... و قزوینی هم آورده است که از حیث جثّه و خلقت بزرگترینِ مرغان است. فیل را می‌رباید، همانطور که غلیواج موش را رباید، هنگام پرواز از بال او صدایی چون صدای رعد قاصف و سیل

www.SID.ir

Archive of SID

برخیزد و هزار سال زندگی می‌کند و چون پانصد سال شد جفت‌گیری می‌نماید [14]». در منطق‌الطیر سی‌مرغ به ذات خورشیدی سیمرغ متصل گشته است و تبدیل به وجودی واحد گشته که این نمایش قدسی نمودار اسطوره‌ی رجوع به اصل، مرگ آیینی و مردن پیش از مرگ است که در پی استحاله تبدّل صورت می‌گیرد. ناپیدایی و تنهایی سیمرغ نیز دستاویزی برای تمثیل ذات خداوندی است. سیمرغ در منطق‌الطیر به صفات رفیع و بلند متصف گشته است و در ادبیات ما با آفتاب یکی شده و نهایتاً مظهر ذات خداوند دانسته شده است، چنانکه در این داستان نیز سیمرغ و آفتاب، یک حقیقت واحد هستند [11]. تصویری که عطار از سیمرغ به دست داده، توصیف‌گر ذات باری تعالی و اصل وحدت در کثرت می‌باشد [13].

سهروردی در مورد سیمرغ چنین می‌نویسد که: «...این سیمرغ پرواز کند بی‌جنبش و بپرد بی پر و نزدیک شود بی‌قطع اماکن، و همه نقشها از اوست و او خود رنگ ندارد، و در مشرق است آشیان او و مغرب از او خالی نیست. همه بدو مشغولند و او از همه فارغ، همه از او پر و او از همه تهی، و همه علوم از صفیر این سیمرغ است و... [15]» . سهروردی سیمرغ را چیزی در حد جلوه‌ی حق دانسته است [10].

«مولانا نیز او را نماینده‌ی عالم بالا و مرغ خدا و مظهر بالاترین پروازهای روح و انسان کامل شناخته است که به دلیل ناپیدا بودن آن، مثال تجرّد و آیینه‌ی کمال نیز تواند بود. شمس تبریزی نیز او را نقطه‌ی کمالی یافته است که دیگر مرغان به سوی او می‌روند و به دیدار قاف خرسند می‌شوند [10]».

آنچه گفته شد گوشه‌ای از سخنان حکمای اسلامی در مورد این پرنده‌ی اسطوره‌ای بود که مبیّن این است که در عرفان اسلامی سیمرغ دیگر نماد خرد، مداوا و سلامتی نیست بلکه به عنوان نماد الوهیت، انسان کامل، جاودانگی و ذات واحد و مطلق در نظر گرفته می‌شود [12]. در این بنا نیز نقش سیمرغ به چند صورت، در حال شکار حیوانات عظیم الجثه‌ای چون فیل و کرگدن و همچنین در حال پرواز نمایش داده شده است.

اژدها

[8]

اژدها در فارسی به صورت‌های اژدر و اژدرها و در عربی تِنّین و ثُعبان به کار می‌رود و موجودی است اساطیری به شکل سوسماری عظیم، با دو پر که آتش از دهان می‌افکنده و پاس گنج‌های زیرزمین می‌داشته است [10]. در تصاویر نقش اژدها را گاهی به عنوان نگهبان درخت زندگی و گاهی نیز در نقطه‌ی مقابل مفاهیم سیمرغ قرارگرفته است.

اژدها در اساطیر ایران قبل از دوران اسلامی

اژدها به عنوان شکل اساطیری و کهن مار مطرح می‌باشد و در روایات اساطیری ایران، کهن‌ترین حیوان اسطوره‌ای به شمار می‌رود. توانایی پوست انداختن مار و ظاهر شدنش پس از ترک جلد قدیم و فرسوده، به صورتی که کاملاً جوان شده و جان تازه یافته، این اندیشه را قوت می‌بخشد که مار می‌تواند دائماً تجدیدحیات کند و از این‌رو مطرح شده که جاوید و نامیرا است. رمزپردازی مار گرایش های عدیده‌ای دارد که ذهن را می‌تواند مغشوش کند، ولی همه‌ی این رمزها، به جانب یک تصور مرکزی می‌گرایند و آن بی‌مرگی مار است، چون تجدیدحیات می‌کند و اعتبار مار، بخشنده‌ی باروری، دانایی (غیب‌آموزی)، و حتی جاودانگی است [16]. مار القاء کنندهٔ شفابخشی نیز هست. تصویر دو مار پیچیده دور چوبی قائم، یکی از کهن‌ترین رمزهای بشری است و تقریباً در همه تمدن‌های باستانی وجود دارد. کارل‌گوستاو یونگ در دگردیس‌های روان و نمادهای آن

www.SID.ir

Archive of SID

می‌گوید که مار، رمز مطلوب ناخودآگاهی است [17]. میرچاالیاده در مورد کنار هم قرار گرفتن نقش اژدها، درخت زندگی و انسان می‌گوید: «مار که پیش نمایش ذات شرّ و از این لحاظ، مخالف بیمرگی و جاودانگی انسان بود، می‌بایست انسان را از نزدیک شدن به درخت زندگی باز دارد. مار مانعی است که راه انسان طالب سرچشمهٔ بی‌مرگی و درخت زندگی را، می‌بندد [16]». بر اساس همین تعریف، نبرد میان اژدها و قهرمان در اساطیر اقوام مختلف متجلی است که اغلب آنها در جنگ با قهرمان کشته می‌شوند. این نبرد در واقع کشمکش انسان ابتدایی برای نیل به خود آگاهی است [18]. اژی دهاک (اژدها) در متنهای دینی ایران باستان، جزو دیوان و فرزندان اهریمن است. اژدهایی که در اوستا مطرح شده قادر است مانند مردم، ایزدان را نیایش کند، برای آنها بسیاری اسب و گاو و گوسفند قربانی کند و از ایشان پیروزی در نبرد را بخواهد. از اژدهاهای اوستایی، ویشوه‌رُوپَه سه سر است که گاوها را می‌دزدد و شاهان و پهلوانان با کشتن این اژدها، عمل برکت‌بخشی را انجام می‌دهند [19]. در نتیجه اژدها یا مار بزرگ در اساطیر جایگاه مثبت و قدسی و خدایی ندارد و به عنوان نماد شرّ و بدی ذکر شده است.

اژدها در دوران اسلامی

در دوره اسلامی نقش مایه اژدها مفهوم متفاوت تری نسبت به دوره پیش از اسلام پیدا کرده است. در متون اسلامی اژدها گاهی در چهره موجودی دوزخی ظاهر می‌شود و زمانی با سیمای عصای موسی، بحالت نیروی الهی در می‌آید، یعنی اژدها دو چهره کاملاً متضاد دارد و گاهی موجودی اهریمنی و زمانی در سیمای آفریده‌ای ایزدی آشکار می‌شود. اژدها در عرفان نیز گاهی صورت تمثیلی ممتازی دارد. نخستین چهره اژدها، در روایتهای مذهبی، مربوط است به مار بهشت، که اهریمن را یاری می‌کند تا آدم و حوا از بهشت رانده شوند. «مار نیز یکی از حیوانات بهشتی بود...، خوش صورت‌تر و خوشرنگ‌تر از جمیع حیوانات بود. شیطان که حق ورود به بهشت را نداشت، برای فریفتن آدم و حوا خود را در دهان مار مخفی کرد و داخل بهشت شد، و به همراهی طاووس، آدم و حوا را فریفتند تا از شجره ممنوعه بخورند و خدای‌تعالی از محل آنها آگاه شد و بر آنان خشم گرفت و مار را عریان کرد و پاهایش را محو و چنان کرد که به شکم راه رود و از بهشت بیرونش کرد [14]».

مطابق روایات و بنابر آنچه قرآن کریم اشاره کرده (اعراف 117 و شعراء 45)، حضرت موسی (ع) به امر خداوند عصایش را می‌اندازد. عصا ناگاه به صورت اژدهایی در می‌آید و هر چه جادوگران بافته بودند فرو می‌خورد.

در روایتهای عارفانه گاهی اژدها، تمثیل و تصویری از زشتیها یا موجودات دوزخی و نمایانگر عذاب گناهکاران است و زمانی نیز نمودار کرامات بزرگان صوفیه محسوب می‌شود [20].

مولوی در دفتر سوم مثنوی، حکایتی در باب اژدها دارد. این داستان علاوه بر آنکه به شیوه ادبیات عرفانی ایران، دارای نتایج اخلاقی و تربیتی است، اشاراتی به عصای موسی و اژدها شدن آن نیز دارد. در روایت‌های صوفیانه گاهی اژدها، مفتون و مجذوب و دوست پیر محسوب می‌شود و در اسرارالتوحید نیز حکایاتی است مبنی بر اینکه، اژدها به استقبال شیخ می‌آید و در برابر او بخاک می‌افتد و در داستانی دیگر مریدی پیغام شیخ را به اژدها می‌رساند.

تحلیل و تفسیر نمادها کاری پر پیچ و خم است و تاویل‌ها گوناگونند. دوسوگرایی در نماد و تمثیل اژدها در اوج قرار دارد ولی آنچه که مسلم است و تعالیم دینی نیز به نوعی در همان راستا هستند، نشان می دهد که وابستگی اژدها و مار به اهریمن بیشتر از جنبه‌های مثبت آن است.

www.SID.ir

Archive of SID

طاووس

طاووس در فرهنگ‌های فارسی و عربی به القاب و کنیه‌های ابوالحسن، ابوالوشی، صرّاخ و فلیسا معروف است [21]. از این پرنده اسطوره‌ای در طول تاریخ ایران مفاهیم دوسویه مستفاد می‌شود که به طور مختصر به آن می‌پردازیم.

[8]

طاووس در اساطیر ایران قبل از دوران اسلامی

این پرنده در دوران باستان در آیین زرتشت به عنوان مرغی مقدس مورد توجه بوده است. همچنین معتقد بودند طاووس به دلیل نوشیدن آب حیات، عمر جاودانه یافته است. در بسیاری از آثار دوره‌ی ساسانی نقش طاووس در تزیینات و یا در دو طرف درخت زندگی قرار گرفته است. علاوه بر طاووس حیوانات دیگری چون اژدها، اردک، غزال و... وجود دارند که از درخت زندگی و میوه‌اش محافظت می‌کنند [10].

طاووس در دوران اسلامی

همراهی طاووس و درخت مقدس در دوره‌ی اسلامی مخصوصا در تزیینات معماری دوره‌ی صفویه دیده می‌شود. شکل درخت زندگی براساس جهان بینی دوره‌ی اسلامی تعدیل شده و در آثار هنری مطابق با مفهوم درخت طوبی ظهور پیدا کرده است. در فرهنگ اسلامی به درخت طوبی یا سدره المنتهی، به عنوان درخت بهشتی اشاره می‌شود [12]. در قرآن به طور مشخص از این پرنده نامی به میان نیامده ولی در آیه‌ی 260 سوره بقره که به ماجرای حضرت ابراهیم و زنده شدن مردگان به اذن خداوند اشاره دارد و در تفسیر آن این چنین آمده که «. . . طبق بعضی از روایات معروف، این چهار مرغ؛ طاووس، خروس، کبوتر و کلاغ بوده‌اند...، طاووس مظهر خودنمایی و زیبایی وتکبر، خروس مظهر تمایلات شدید جنسی، کبوتر مظهر لهو و لعب و بازیگری و کلاغ مظهر آرزوهای دور و دراز! [22]».

«شگفت آن است که این پرنده را با حسن و زیبایی که دارد به فال بد گیرند و شاید، سبب آن باشد که مسبب دخول، ابلیس را در بهشت و خروج ابوالبشر را از بهشت نیز به طاووس نسبت می‌دهند و گویند چون آن حضرت در تمام طول زندگانی از خانه و بنگاه و زاد و نژاد و سرای جاودانی خویش آواره گشت، نگهداری این مرغ در خانه از یمن و برکت دور باشد [23]». در ادبیات فارسی اشعاری در مورد این پرنده آورده شده که از حوصله‌ی این پژوهش خارج است اما نکته قابل توجه این است که آنها طاووس را کنایه‌ای از خورشید، آفتاب، آسمان، جبرییل و... دانسته اند. ابیاتی نیز موجود است که اشاره به بهشتی بودن این مرغ، پاهای زشت (به جهت داستان آدم و حوا) و تکبر او (به جهت بالهای خوش‌رنگش) می‌کنند.

«فرقه‌ی یزیدیه، برای طاووس، بر خلاف بیشتر ادیان، مقامی والا قایل‌اند و آن را واسطه‌ی آفریدگار در آفرینش جهان می‌دانند و ویژگی‌هایی به او نسبت می‌دهند که با ویژگی‌های شیطان مطابقت دارد [10]». طاووس ملک، لقبی است که فرقه‌ی یزیدیه شیطان را بدان خوانند و مجسمه‌ای برایش نیز ساخته‌اند [24].

از توضیحات فوق چنین برداشت می‌شود که طاووس در فرهنگ ایرانی از ابتدا مفهومی ستوده و نقشی مقدس داشته است اما به دلیل فریب آدم و حوا و خروج آنها از بهشت، او نیز از بهشت رانده شده و از آن پس نقشی ناستوده در فرهنگ ایرانی اسلامی یافته است.

www.SID.ir

Archive of SID

شیر و خورشید

[8]

مفهوم شیر در ایران باستان در دوره های مختلف دارای بار معنایی متنوعی بود که در طی زمان با ترکیب آن با خورشید مفهوم آن کامل‌تر شد. از این نقش در آیین مهری و زروانی که دوشادوش آیین زردشتی در ایران قبل از اسلام، دین مردم بوده‌اند، توصیفاتی شده است که به طور خلاصه به آن می‌پردازیم.

مفهوم شیر در آیین مهری و میترایی

شیر در آیین مهری جایگاه ویژه دارد به گونه‌ای که چهارمین مرحله از مراحل رسیدن هرکس به آیین مهر محسوب می‌شد [25].در رمزپردازیهای خورشیدی، شیر نماد خورشید است و مردان راستین را به فروغ جاودانی یعنی خورشید و میترا ملحق می‌کند [11].

شیر در آیین زروانی

زُروان یا خدای زمان بی‌کرانه، غیرقابل توصیف و همچنین بدون جنسیت است. اما گاهی در ایران، او مذکر است و گاهی نیز از همسرش یاد شده است. با توجه به الگوهای نخستین شرقی‌اش، او را به اندامی آدمی گونه و سری چون شیر تجسم کرده‌اند، که گرد بدنش ماری حلقه زده است. اما در این تندیس‌ها، نشانه‌های گوناگون و نمادین وجود دارد و این نمادها هر یک مفهوم و بیان خاص دارند. شاید این وضعیت نشانگر چندگانگی و وظایف متعددش باشد. وی عصا و چوبدستی را به دست دارد که نشانه‌ای از سلطنت و پادشاهی آسمانی اوست. گاه در دستی و گاهی در هر دو دست، کلیدی دارد که رمز گشایش درهای بسته است و دشواریها را برطرف می‌کند. بالهای زبرین و زیرین او، کنایه از جهش و سرعت و پرواز او هستند. ماری که گرد بدنش پچیده، نماد مسیر خورشید در پیدایش خسوف و کسوف و یا شاید رمز جاودانگی او باشند. نشانه‌ها وعلایم دوازده برج پیرامون وی، نشانه‌های گذر زمان و گردش فصول و ماههاست که گاه بر بدن او نقش شده و سیر زمان را در صورت بی‌نهایتش بازگو می‌کند. او آفریننده همه چیز است و همه چیز را هم نابود می‌کند.

شیروخورشید هر دو از نمادهای کهن روزگار ایران باستان بوده که با آیین میترایی به روشنی شناخته می‌شود. در نقوش میترایی شیر و خورشید در نمادها دیده می‌شود و در شکل ماندگار این نقوش به عنوان نشان واره‌ای میترایی با منشاء و خاستگاه روشن بر درفش ایران قرار می‌گیرد و شیر از همراهان پیوسته میترا است. شیر به نوعی در آیین مهری نماد آتش هم هست و با خورشید هم در ارتباط است. «از مجموعه روایات این چنین بر می‌آید که خورشید مظهر خداوند و شیر نشانه‌ی قدرت و اقتدار و هر دو، به نوعی به شاهان مربوط بوده‌اند. قراین و نشانه‌های تاریخی نیز این نظر را تایید می‌کنند بنابر روایات، جشن مهرگان که در شانزدهم مهر در ایران باستان با آیین خاصی برگزار می‌شده، به جشن شاهان و خسروان معروف بوده است [10]».

مفهوم شیر و خورشید در دوران اسلامی

نکته قابل توجه و با اهمیت از لحاظ ظاهری برای نقش شیر در قبل و بعد از اسلام را می‌توان چنین عنوان کرد که نقش شیر در دورانهای قبل از اسلام، ترکیبی از چند حیوان و به صورت ترکیب خیالی و واقعیت موجود حیوان، توسط هنرمند نشان داده می‌شد و نقش شیردال‌ها، گریفین‌ها که ترکیبی از شیر و پرنده و دیگر حیوانات بود، نیز از آن گروهند، در حالیکه در پس از اسلام نقش شیر واقعی‌تر نشان داده شده و هنرمند سعی در دخالت تخیل و خلق یک حیوان خارق‌العاده با مجموع توانایی‌های مافوق بشری را نداشته است. «حقیقت این است که میان برج اسد و خورشید رابطه‌های علمی و نجومی برقرار است و در عرف منجمین، برج اسد خانه‌ی خورشید است زیرا هر کدام از بروج دوازده‌گانه یک یا دو خانه‌ی مخصوص داشته‌اند [10]». ابن عربی (قرن هفتم

www.SID.ir

Archive of SID

هجری) در کتاب مختصرالدول، ریشه‌ی این پیوند را روشن کرده که خلاصه آن به نقل از کسروی [27] این گونه است که، کیخسرو بن عزالدین کیکاووس، از حکمرانان سلجوقی آسیای صغیر، عاشق دختر پادشاه گرجستان شد و او را به زنی گرفت و می‌خواست سکه‌های خود را به رخسار او بیاراید که مورد مخالفت اطرافیان و مسلمین معتقد قرار گرفت. چون اصرار ورزید، به ناچار رخساره‌ی همچون خورشید شاهزاده خانم گرجی را بر فراز شیری نگاشتند تا هم خواست کیخسرو انجام گیرد و هم همگان چنین انگارند که مقصود، نقش صورت طالع پادشاه است. بعد از کیخسرو تا دوره‌ی صفوی خبری از نقش شیر و خورشید نیست. در دوره‌ی صفوی، خورشید به صورت نیم دایره و چسبیده به پشت شیر بر روی سکه‌ها بسیار ترسیم شده است که معلول شتاب‌کاری نقاشان است. بعد از صفوی تا دوران قاجار استفاده از این نقش کمرنگ شده تا بالاخره در دوران ناصرالدین شاه قاجار با کمی تغییر نشان رسمی ایران می‌شود. از این تاریخ، شیر برپا خاسته و شمشیری که نشانی از ذوالفقار حضرت علی(ع) است در دست دارد. این علامت به عنوان نشان تکامل یافته‌ی ایران، بر پرچم و سر در ادارات و گاه بر سکه‌ها تا دوران پهلوی باقی می‌ماند [10].

جدول 1 مفاهیم نقوش اسطوره‌ای بنای هشت‌بهشت

تصویرکاشی‌های بنا	تصاویر آنالیز شده	مفاهیم نقوش
نقش سیمرغ	[8]	نقش سیمرغ در ضلع شرقی بنا این پرنده در اساطیر ایرانی به مفهوم خرد و مداوا بوده و در عرفان اسلامی نماد الوهیت، انسان کامل، جاودانگی و ذات واحد است. نکته‌ی روشن، جنبه‌ی مثبت و الوهیتی این پرنده‌ی اسطوره‌ای در تمام ادوار ایران است.
نقش سیمرغ	[8]	نفش سیمرغ در ضلع غربی بنا شکار حیوانات عظیم‌الجثه‌ای چون فیل و کرگدن به دست پرنده‌ی اسطوره‌ای، سیمرغ.
نقش اژدها	[8]	نقش اژدها در ضلع شمالی بنا اژدها که از قدیمی‌ترین اسطوره‌ها به حساب می‌آید دارای مفاهیم دوسویه است: جنبه‌ای مثبت که در جایگاه عصای حضرت موسی در قرآن نیز آمده و جنبه‌ی مثبت آن که نمادی از شر و بدی است و در ایران باستان و اسلامی بیشتر به آن اشاره شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

 نقش طاووس	 [8]	نقش طاووس در ضلع شرقی و غربی بنا طاووس که از مرغان بهشتی در آیین زرتشت و نگهبان درخت زندگی در فرهنگ باستان بوده است. در داستان خروج آدم و حوا از بهشت بدلیل فریب دادن آنها و از بهشت ترد شد و از آن پس او را به فال بد گیرند.
 نقش شیر و خورشید	 [8]	نقش شیر و خورشید در ضلع شمالی بنا شیر و خورشید هر کدام به تنهایی از دیرباز دارای مفاهیمی در فرهنگ ایران بوده‌اند از زمانی این دو عنصر باهم ترکیب و مفهومی نو ایجاد کردند. شیر و خورشید به عنوان سمبل قدرت و شجاعت بوده، اشاره به پادشاهان و سلاطین در تمام ادوار این تمدن داشته است.

نتیجه‌گیری

«در گذشته استادانی بودند که خود اهل سیروسلوک بوده، به تعلیم و راهنمایی هنرمندان می‌پرداختند. هنرمندان در محضر آنها آیین جوانمردی و رمزآموزی فرا می‌گرفتند. این استادان می‌کوشیدند تا آیین تقدسی برای همه حرف و اصناف تنظیم کنند و اصناف را در پوشش آداب مذهبی نسل به نسل منتقل سازند ... از آنجایی که در قرون گذشته این اصول و آیین مقدس و روحانی بر همه وجوه زندگی حاکم بود، بسیاری از طرح‌ها و نقش‌ها نیازی به تاویل نداشتند، ولی امروز معنا و مفهوم نمادین آنها برای ما پنهان است. حتی هنرمندان متاخر هم ممکن است توجهی خاص به معنای محتوایی آنها نداشته و از مفاهیم نمادین آنها آگاه نبوده و تنها به خاطر احترام و دنباله روی از استادان خود در ادامه مهارت‌های سنتی، تنها به تکرار این نقوش پرداخته باشند [12]». بازگشایی رموز این مفاهیم از وظایف پژوهشگران این حوزه می‌باشد تا کمکی در جهت انتخاب نقوشی باشد که هنرمندان معاصر از آن برای تزیین بناهای کنونی استفاده کنند و از آنجا که بناهای معماری نشانگر تمدن و فرهنگ هر دوره‌ی تاریخی می‌باشند این اصلی بسیار مهم و حائز اهمیت برای ایرانیان، با تمدنی هفت هزار ساله است که متاسفانه هنوز در غبار ابهام قرار دارد. صفویان سلسله‌ای درخشان با بهره‌گیری از دستاوردهای خود و اجدادشان، آثاری بوجود آوردند که فرهنگ ایران را ماندگار و با حفظ سرمایه های معنوی، هنر آن دوره را به نسل‌های آینده منتقل کرد. باغ بلبل و عمارت هشت‌بهشت از نمونه های این آثار ارزشمند هستند که ما را باورهای پیشینیان در مورد بهشت برین آشنا می‌کنند. انتخاب نام، نقوش، کاربری، پلان و محلی که از نظر موقعیت مکانی برای این عمارت انتخاب شده، بسیار هوشمندانه بوده و مخاطب را در جهت رسیدن به هدف سازندگان آن بنا یاری می‌کند. نقشی چون شیر و خورشید در نمای بیرونی بنا بیانگر قدرت این امپراطوری است و قرار گرفتن برج اسد در خورشید که ریشه در علم نجوم دارد، مبین نیکی و خوش یمنی و برکت پادشاهی است. نقشی چون سیمرغ نشانگر الوهیت و وجود واحد حق تعالی و نقش مایه‌ی اژدها سمبل وجود شر می‌باشد. نقش طاووس بدون در نظر گرفتن جنبه‌ی منفی‌اش در فرهنگ اسلامی به جهت ترد شدنش از بهشت دارای مفهوم جاودانگی و نگهبانی او از درخت زندگی است. طاووس در دوره‌ی صفوی بسیار ارجمند

www.SID.ir

Archive of SID

شمرده شده و در تمامی آثار این عصر حضور او دیده می‌شود. به طور کلی می توان گفت، مجموعه‌ی نقوش اسطوره‌ای موجود در بنا برای نشان دادن مفهوم قدرت، الوهیت، جاودانگی، مقابله‌ی خیر و شر به کار گرفته شده است.

مراجع

[1] هنرفر، ل. هشت‌بهشت اصفهان، هنر و مردم ،شماره 117، تیر1351.

[2] توضیحات مندرج در بنا

[3] شاردن، ژ. سفرنامه شاردن (قسمت اصفهان)، ترجمه عریضی، ح.، انتشارات گلها، 1379.

[4] کمپفر، ا. در دربار شاهنشاه ایران، ترجمه جهانداری،ک.، انتشارات انجمن آثار ملی، 1350.

[5] Coste, P. Monuments Modernes de la Perse. Pars, 1867.

[6] همایون، غ. اسناد مصور اروپاییان از ایران، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، 1348.

[7] رییسی، م. بررسی نقوش انسان و حیوان در کاشی کاری‌های به جا از بناهای قدیمی شهر اصفهان (دوره‌ی صفوی و قاجار)، پایان نامه کارشناسی، دانشگاه پردیس اصفهان، اصفهان، 1369.

[8] نصراصفهانی، غ. عمارت هزار نقش، انتشارات متن، 1389.

[9] کامبخش فرد، س. آثار تاریخی ایران، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور، 1380.

[10] یاحقی، م. فرهنگ اساطیر و داستان واره‌ها در ادبیات فارسی، انتشارات فرهنگ معاصر، 1386.

[11] زمردی، ح. نقد تطبیقی ادیان و اساطیر، انتشارات زوار، 1382.

[12] خزایی، م. تاویل نقوش نمادین طاووس و سیمرغ در بناهای عصر صفوی، هنرهای تجسمی، شماره 26، تیر 1386.

[13] محبی، خ. اسلام شناسی و دین تطبیقی: فرهنگ ادیان و اسلام، انتشارات توس، 1378.

[14] عطار نیشابوری. ف. منطق‌الطیر، به اهتمام گوهرین،ص.، انتشارات علمی و فرهنگی، 1378.

[15] کیائی‌نژاد، ز. جلوه‌هایی از عرفان در ایران باستان، انتشارات عطائی، 1377.

[16] الیاده. م. رساله در تاریخ ادیان، ترجمه ستاری،ج.، انتشارات سروش، 1376.

[17] بوکور، م. رمزهای زنده جان، ترجمه ستاری، ج.، انتشارات مرکز، 1373.

[18] یونگ، ک. انسان و سمبولهایش، ترجمه سلطانیه، م.، انتشارات جامی، 1377.

[19] بهار، م. پژوهشی در اساطیر ایران، انتشارات آگه، 1378.

[20] هینلز، ج. شناخت اساطیر ایران، ترجمه آموزگار، ژ.، تفضلی،ا. انتشارات چشمه، 1381.

[21] معین، م. فرهنگ فارسی دو جلدی، جلد دوم، انتشارات ادنا، 1381.

[22] مکارم شیرازی، ن. تفسیر نمونه، جلد دوم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، 1373.

[23] دهخدا، ع. لغت نامه، جلد دهم، انتشارات دانشگاه تهران، 1337.

[24] آژنگ، ن. گنجینه لغات، جلد دوم، انتشارات گنجینه، 1381.

www.SID.ir

Archive of SID

[25] والی، ز. هفت در قلمرو تمدن و فرهنگ بشری، انتشارات اساطیر، 1379.

[26]کسروی، ا. تاریخچه شیر و خورشید، فردوس، 1378.

www.SID.ir